

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد که مرحوم آقای نائینی اشکالاتی که در باب بیع ما یُملک و ما لا یُملک داشتند چهار تا قرار دادند اشکال اول همانی است که مرحوم شیخ آورده لکن شیخ بردند روی همان اینکه این را قیاس کردند به فساد شرط و جواب دادند که قیاس مثلاً درست نیست اما این به اصطلاح مرحوم نائینی اضافه کردند سه تا اشکال دیگر و مرحوم نائینی رفتند روی توضیح مطلب لکن به نظر ما باز هم توضیح ایشان کافی نبود یک راهی را که ما مطرح کردیم این بود که به اصطلاح خودمان با یک نوع جمع قانونی درستش بکنیم که دیروز متعرض شدیم و به این مناسبت فضای قانونی را ما یک توضیحی دادیم و گفتیم فضای قانونی را قبول کردیم مطلب خوبی است مطلب درستی است لکن انطباق به ما نحن فيه ندارد در ما نحن فيه قابل انطباق نیست ، این راجع به این .

یک مطلبی مانده بود که ایشان که مرحوم ، یک مطلب دیگری من یادم می آید که عبارت ایشان را خواندیم لکن اشکالش را متعرض نشدیم و آن در بحث همین شرط در همین جواب اول در صفحه ۲۲۰ ایشان فرموده بودند : و بعبارة اخرى ، این را خواندیم رد شدیم :

الشرط الضمني في المقام كالشرط المتعذر الذي لا يوجب تعذره إلا الخيار،

عرض کردیم شرط ضمنی ارزشی ندارد حالا مقام و غیر مقام هم ندارد اینکه ایشان الشرط الضمني فی المقام ، عرض کردیم شرط اگر ضمنی باشد این مساله ای اجرا ندارد صلاحیت نفوذ ندارد ؛ این عبارت هم من خواندم این تعلیق را نشد بگویم این شرط ضمنی عرض کردم تاثیر ندارد شرط به اصطلاح ارتکازی تا تصریح نشود فایده ندارد .

و ان شاء الله تعالی بله به این مطلبی که ایشان فرمود ، حالا تعجب است که در صفحه ۴۲۰ فرمودند در این ، نه اینجا باز یک چیزی ضمنی را قبول کردند من فکر کردم ضمنی را قبول نکردند نه چون عبارت دیروز . این راجع به این قسمتی که اشکال اول ایشان .

اشکال دوم ایشان که جلوی این بیع را می گیرد نهی عن الغرر ، نهی النبی عن الغرر اینجا غرری است چون معلوم نیست چه مقداری از مال به ازاء سرکه است چه مقداری از مال به ازاء خمر است :

وأما الثاني فلأن الجهل بثمر المبيع وإن كان موجبا للفساد ،

برای موجب فساد است ؛

إما للإجماع ،

چون ادعای اجماع شده است عرض کردم مخالف کم است داریم مخالف مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی ایشان مخالفت کرده است که اگر جهل هم باشد راضی باشد کفایت می کند مثلاً یک مقدار گندم هست اینجا نمی داند چند کیلو است می گوید آقا این گندم را به شما فروختم به ۲۰۰ هزار تومان می گوید خیلی خوب قبول دارم ، می گوید رضا کفایت می کند ولو وزن نکنیم گندم را وزن نکنیم ، لکن معروف و مشهور ، حالا ایشان ادعای اجماع می کند ، راست هم می گوید ادعای اجماع شده است در مساله ، ادعای اجماع شده که جهل به عوضین موجب بطلان عقد است باید علم داشته باشد به عوضین هم به اصطلاح ثمن و هم مضمن .

اصولاً در عقود جهل ، مگر اینکه عقد خودش مبنی بر یک نحوی از تسامح باشد مثل صلح ، اگر عقد مبنی بر اتصال ، یعنی به اصطلاح یک نوع از به اصطلاح تسامح نباشد آن جور عقدی را به اصطلاح درش علم شرط است البته جهل در موارد عقود هم فرق می کند . مثلاً در مورد بیع جهل مراد این است که وزنش را بدانند وزن آن گندم را بدانند ، در باب نکاح هم گفتند جهل مضر است علم می خواهد ، علم می خواهد نه به اینکه بدانند مثلاً این زوجه چند کیلو وزن دارد ، علم به وزن نمی خواهد ، تشخیص بدهد زن خارجی معینی است ، مراد این است .

مثلاً بگوید زوجتک احدی بناتی ، این نمی شود ، احدی بناتی نمی شود آنجا علم به معنای این ، غرض علم به عوضین ، علم به طرفین معامله در باب عقود فرق می کند ، نحوه ی علم فرق می کند علم هست مگر در عقود که مبنی بر تراضی است ، در عقود که مبنی بر تراضی است می گوید مصالحه کردم این مقدار گندم را به این قدر ، چون عقد صلح اصلاً مبنی بر تراضی است یا به بعضی از اصطلاحات چون اینها را باید جداگانه شرح بدهیم ، عقد صلح یک نوع مثلاً راه فرار در کل عقد است .

مثلاً در باب بیع علم می خواهد به عوضین حالا می خواهد علم نداشته باشد انجام بدهد این را به راه صلح انجام بدهد و لذا گفتند صلح خودش یک عقد مستقلی نیست ، این کسانی که گفتند صلح یک عقد مستقلی نیست مرادشان این است ، صلح تابع آن کاری است که می شود مثلاً

یکی از حضار: اگر صلح را بپذیریم هر عقد رضائی را می شود صلح کرد و همه ی عقود رضائی هم درست می شود . صلح می کنم

این را این جور جابجا بکنم تو هم آن را جابجا کن

آیت الله مددی: نه، عرض کردم مصالحه در عقد رضائی باز محدودیت دارد، در مثلاً صلح آمدند گفتند اشکال ندارد غرر، نهی النبى عن الغرر در باب صلح اشکال ندارد، باز آمدند گفتند اگر غرر خیلی بین باشد باز هم نمی شود، نمی گیرد آنجا را نمی گیرد حالا عرض کردم، باشد دیگر می گوید صلح است دیگر چه فرقی می کند.

می گویند غرر اگر خیلی بین بود نمی گیرد دقت کردید؟ حالا عرض کردم چون دیگر نمی خواهیم وارد بحث صلح بشویم که آنجا اصولاً حتی این عقد رضائی که شما تصور بکنید شامل بشود برای جمیع اقسام غرر نمی گیرد، آن غرری که خیلی بین است که اینجا دیگر واقعاً غرر است نمی گیرد.

بعد ایشان می گوید:

إما للإجماع،

اجماع هست راست است، چون مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی متوفای ۹۵۱ است قرن دهم در زمان صفویه، البته ایشان از کسانی است که خیلی با حکومت بد است با حکومت صفویه و به همین جهت هم با محقق ثانی، محقق کرکی خیلی بد است فوق العاده و خوب هم نیست انصافاً، انصافاً از جاده ی انصاف خارج شده است خیلی تعابیر زشتی راجع به محقق کرکی دارد ایشان به خاطر اینکه در دربار صفویه رفته و دربار سلاطین رفته و اصلاً نفی علم و ورع و همه چیز ایشان را می کند که نه علم دارد و نه ورع دارد و انصافاً بی ادبی را خیلی تجاوز کرده از حد خودش رضوان الله علیه و اما خودش هم مرد ملایی است این را هم نمی شود انکار کرد خودش مرد ملایی است اما دیگر این ملا بودن معنایش این نیست که به دیگران اهانت بکنیم استلزام ندارد.

علی ای حال ایشان منکر است ایشان می گوید:

اما للإجماع،

چون همین شبهه ی عقد تراضی و اینها مطرح است؛

علی اعتبار العلم به، وإما للغرر بمعنى الخطر المنهي عنه في الخبر المتلقى بالقبول بين الفريقين،

عرض کردم این مباحث آقایان ما این در، مثلاً ایشان نوشته این خبر متلقای به قبول است بین فریقین بین شیعه و سنی مثلاً در شیعه از عوالی اللآلی نقل کرده عوالی یک کتاب فوق العاده ضعیفی است اصلاً ارزش علمی ندارد فوق العاده ضعیف است ایشان، خوب این

چطور یعنی خود مرحوم نائینی ملتفت نبودند که بابا این خبر در شیعه مصدرش عوالی اللآلی است ، این کتاب اینقدر ضعیف است حتی علما گفتند که اسمش هم اشتباه نوشته است .

عرض کردم این کتاب اسمش واقعا عوالی اللآلی است ها نه اینکه نسبت اشتباه چون نسخه‌ی خط مولف در مشهد موجود است ، یک وقتی مرحوم آقا عزیز که شما اسمش را بردید ایشان متصدی نسخ خطی کتابخانه‌ی آستان قدس بود من رفتم آنجا ایشان آن وقت بود آورد برای من دیدم ، بنا شد چند تا نسخه‌ی نفیس بیاورد من ببینم یکی هم همین عوالی اللآلی بود که خط خود مرحوم ابن ابی جمهور است خط خودش است ، عوالی به خط خودش عوالی نوشته است غرض می‌خواهم بگویم که این یک شهرتی نیست که دادند این درست است من نسخه‌ی خطی خود ایشان را دیدم در نسخه‌ی خطی خود ایشان عوالی اللآلی است آن وقت علما تصحیحش کردند عوالی اللآلی، لؤلؤ را نمی‌گیرند عالی ، لؤلؤ را می‌گویند عالی گران ، مروارید گران قیمت مثلا ، نمی‌گویند مروارید بالا ، بالا که معنا ندارد عالی باشد .

علی ای حال اما اصل کتاب همین طوری است که عرض کردم و انصافا حالا آقایان یک چیزهایی می‌گویند فوق العاده ایشان ضعیف است فوق العاده و خوب هم نبود حالا کتاب را در قم چاپ کردند کتاب خیلی کار خوبی بود چون من خودم هم مراجعه داشتم به کتاب همه‌اش روی نسخ خطی نگاه می‌کردم تا اینکه اخیرا چاپ کردند در قم خیلی زحمت کشیدند انصافا چاپ کردند خدا رحمت کند مرحوم آقای مرعشی هم یک مقدمه‌ای نوشته است بر کتاب خیلی تجلیل کرده است مخصوصا نوشته ثقة و ای ثقة من تعجب کردم ای کاش ایشان نمی‌نوشتند این تعابیر را مناسب شأن آقای مرعشی نبود .

علی ای حال حاجی نوری که سعی کرده کتاب را قبول بکند با بعد التیا و التی مع ذلک قبول کرده که مقدمه خیلی ، چون یک مقدمه دارد نمی‌دانم چهار رکن است چهار فصل است چقدر است ، در آن مقدمه‌اش حادثی آورده که فوق العاده ضعیف است اصلا کلا نشان می‌دهد که ایشان کلا از دایره‌ی علم خارج است اصلا از این دوایر خارج است دیگر حالا شاید آقای مرعشی آن مقدمه را ندیدند ملاحظه فرمودند دیگر بخواهیم شواهدش را بگویم طول می‌کشد .

یکی از حضار: بختش خوب بوده کتاب جا افتاده است .

آیت الله مددی: از زمان صفویه جا افتاد چون ایشان اول صفویه نوشت ، دیدم بعضی از آقایان معاصر نوشتند ایشان تاثیر گذار بوده در جمع در صلح ما بین صفویه و عثمانی‌ها این هم خیلی عجیب است اصلا ایشان اول صفویه است اصلا دعوایی بین صفویه و عثمانی نبود بعد هم ایشان شخصیت گمنامی است در آن حدی نبوده که بتواند در جامعه‌ای مثل صفویه و عثمانی تاثیر بگذارد شاید این را هم

اشتباه گفتند. علی ای حال ایشان ۹۰۶ یا ۹۰۸ است، خود ۹۰۶ شاه اسماعیل راه افتاد برای تشکیل صفویه، ۳۰ سال بعد ۹۳۶ ایران شیعه شد یعنی در ۳۰ سالگی ۱۶ سال بود معذرت می خواهم ۱۴ سال بعد، ۱۴ سال بعد که ایشان از اردبیل و اطراف اردبیل که حرکت کردند با یک مشت دراویش توانستند کل ایران را بگیرند، علی ای حال ایشان اوایل صفویه است.

بله در زمان صفویه جا افتاد لکن بحار این را آورده است خود وسائل هم قبول نکرد حق هم با وسائل است که قبول نکرد، خود مرحوم صاحب حدائق با اینکه اخباری است می گوید هم مؤلف هم مؤلف هر دو ضعیفند حق با ایشان است، راست هم می گوید و من فکر می کنم باز هم مرحوم بحرانی یا صاحب، شاید ندیده باشند مقدمه خیلی وضعش خراب است، مقدمه ی کتاب به لحاظ حدیث شناسی فوق العاده ساقط است نه اینکه یک درجه ساقط است، فوق العاده ساقط است.

احتمالی که ما دادیم مثلاً ایشان در جایی که بود حالا کجا بوده نمی دانم، یک مشت اوراق دیده در اوراق یک چیزی نوشتند حدیث برداشته نقل کرده است مثلاً شاید این جوری، یک سندی هم داشته برداشته چسبانده به او تعلیق به اصطلاح، سندش هم برداشته چسبانده و حالا مخصوصاً ملتفت بشویم که اصلاً این به آن می خورد، نمی خورد اصلاً این ورقه چیست؟

علی ای حال مقدمه ی ایشان فوق العاده ضعیف است این مرفوعه ی زراره را هم ایشان آورده است منفرداً ایشان از علامه از راه علامه از راه زراره نقل می کند علامه به زراره، در هیچ یک از کتب قبل از ایشان چه علامه و چه غیر از علامه نیامده است، منحصر. از این قبیل زیاد دارد یعنی یک مشکل بزرگ ایشان یک مطالبی دارد که اصلاً به هیچ وجه قابل تصدیق نیست متنش هم در هیچ کجا نیامده است.

من دیدم بعضی از آقایان معاصر که مثلاً مفصل در باره ی تعارض بحث کردند نسبت بین مرفوعه ی زراره و مقبوله ی عمر بن حنظله را بحث کردند ۷ صفحه، ۱۰ صفحه، گفتیم آقا این بحث ها چیست اصلاً اینکه ساقط است بالمرة ساقط است اصلاً ارزش بحث ندارد. لذا ما اصولاً در بحث تعارض اصلاً کلاً متعرض نمی شویم ولو من باب، آخر در سنی ها می گویند لا یذكر حدیثه الا من باب التعجب بعضی ها نوشتند الا من باب القدرح فیه، گاهی اوقات حدیث را نقل می کنیم به خاطر اشکال به خاطر اعتراض به خاطر اینکه بگوییم این خیلی غلط است باطل است به خاطر ابطالش نقل می کنیم به خاطر اینکه ابطالش بکنیم نقل کردیم و الا اصلاً ارزش نقل ندارد حدیث مرفوعه ی زراره که در کتاب عوالی اللآلی آمده ارزش نقل ندارد.

اما به هر حال حدیث هست به نظرم حدیث در کتاب علامه آمده است نهی النبی عن الغرر، دو متن هم دارد، هم عن الغرر دارد هم عن بیع الغرر دارد، بله در مسند احمد آمده است، مسند احمد حدیث آمده است. اما الان در ذهنم نیست در کدام یکی از مسانید صحابه

است ایشان نوشته جلد یک صفحه‌ی فلان ، این جلد یک ایشان آن چاپ قدیم مسند است ، چاپ قدیم مسند را هم که من دارم ، هم چاپ قدیم و هم چاپ جدید ، چاپ قدیمش ۶ جلد است حاشیه هم ندارد . چاپ جدیدش حدود پنجاه و خورده‌ای جلد است ۴۵ جلد متن کتاب است ، خیلی تحقیقات .

یکی از کتاب‌هایی که واقعا اهل سنت اخیرا چاپ کردند و خیلی رویش زحمت کشیدند همین مسند احمد است خیلی قابل اعتماد است خیلی قابل ارزش است انصافا بینی و بین الله خیلی قابل ارزش است . البته ما هم خوب است این کار را بکنیم اما اینقدر مصدر نداریم آنها خوبی اش این است که مصدر زیاد دارند یعنی ممکن است یک حدیث را از ۲۰ تا مصدر نقل کردند ما آن مقدار مصدر نداریم مشکل ما این است که آن مقدار مصدر در اختیارمان نداریم اما به هر حال راهی را که پیش رفته بسیار کار سنگین و دقیقی را انجام داده است انصافا بینی و بین الله ، بخش‌های متن حدیث را هم یا معنا کردن هم از یک مصدری نقل می‌کنند بد نیست ، خود اصحاب کتابی که تحقیق کردند اهل این حرف‌ها نیستند اما در استخراج متون و در تخریج مصادر واقعا می‌شود گفت در حد اعجاز یعنی انصافا این کتاب مسند احمد در پنجاه و خورده‌ای جلد که چاپ کردند .

اما این حاشیه‌ای که ایشان زده نوشته جلد ۱ ، آن ۶ جلد است اگر آقایان می‌خواهند نگاه کنند صفحه‌ی ۳۰۲ ، به نظر می‌آید ۳۰۲- ۳۰۳ یا ابن عباس است یا امیرالمؤمنین است چون به ترتیب چیز شروع می‌کند مسند ابی بکر و عمر و اینطور بعد علی بن ابی طالب است که نسبتا طولانی‌تر از آنهاست بعد ابن عباس ، حالا بعد از علی بن ابی طالب در ذهنم دقیقا نیست کدام یکی است . این یا به یکی از اینها می‌خورد این صفحه‌ای که ایشان اینجا نوشته است به یکی از این مشاهیر صحابه می‌خورد هر چه جلدها می‌خورد عقب تر غیر مشاهیر هستند این جزو مشاهیر است ، حالا اگر مسند احمد در تشکیلاتان هست در بیاورید .

نهی النبی عن الغرر ، اما به نظر در کتب علامه آمده ، شاید در خلاف شیخ هم باشد شاید ؛ اما اینکه مرحوم نائینی فرموده المتلقى بالقبول بین الفریقین با کتاب عوالی اللالی بین الفریقین تلقی به قبول نمی‌شود دقت فرمودید ؟

یکی از حضار: یک چنین بیانی انگار در عیون هم هست .

ایت الله مددی: عیون اخبار الرضا ؟

یکی از حضار: عیون اخبار الرضا از امیرالمؤمنین نقل شده که پیامبر فرمودند که

آیت الله مددی: البته عیون اگر باشد جلد ۲ عیون اخبار الرضا این چاپی که در قم شده جلد ۲ است. چون جلد ۲ از صحیفه الرضا نقل می کند از چند نسخه ی صحیفه الرضا نقل می کند، جوامع الاخباری که عن الرضا علیه السلام در احکام یک قسمت هایی از صحیفه الرضا به چند نسخه است آن را شرح مفصلی داده اگر آنجا هست جلد ۲ عیون است.

یکی از حضار: جلد ۲ عیون است.

آیت الله مددی: باید عادتاً جلد ۲ عیون اخبار الرضا باشد عادتاً بخوانید عبارتش را.

یکی از حضار: آن بخشی که

آیت الله مددی: اگر باشد این قدیمی ترین مصدر است.

یکی از حضار: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن بیع المضطرو عن بیع الغرر واتقوا الله یا ایها الناس... بینکم، یک سخنرانی

از حضرت امیر است، حضرت فرمودند

آیت الله مددی: بله نه اشکال ندارد.

به هر حال البته دیگر حالش نیست اما اگر برگردیم ایشان از چند نسخه ی صحیفه الرضا است یک نسخه ی مشهور است، دو، سه نسخه هم غیر مشهور هستند که حالا دیگر، به لحاظ سندی تمام این نسخ صحیفه الرضا اشکال سندی دارند. عرض کردم مجموعه ی نسخی را که از صحیفه الرضا هست که من الان جمع کردم جمع نه اینکه، در ذهنم حدوداً بین هفتاد تا هشتاد تا صحیفه است یعنی بین هفتاد تا هشتاد تا سند داریم، ده تا سندش فقط در مقدمه ی عوالی اللالی آمده، ده تا سندش در مقدمه ی عوالی اللالی که همه اش باطل است آن اصلاً اینهایی که ایشان نوشته احتمالاً وجود خارجی ندارند همین جور چند نفر مثلاً بیست نفر را پشت سر هم آورده تا رسانده، پنج نفر، ده نفر، دوازده نفر تا حضرت رضا آنها اصلاً وجود خارجی شان معلوم نیست این ده سندی که در کتاب عوالی اللالی آمده از منحصرات ایشان است و آن کاملاً باطل است در عوالی اللالی، صدوق هم آنها را ندارد این از مختصات کتاب عوالی اللالی است.

علی ای حال

یکی از حضار: ابن عباس است.

آیت الله مددی: عرض کردم به شما، می خورد یا امیرالمؤمنین یا ابن عباس، عرض کردم این صفحه ی ۳۰۰ جلد اول باید به اینها بخورد دیگر قاعدتا از ابن عباس آورده است.

یکی از حضار: استاد وسائل الشیعه هم از همین عیون آورده است.

آیت الله مددی: عیون اخبار الرضا، بله احتما دادم که قدیمی تر باشد یعنی عوالی اللآلی حالا ایشان استخراج از عوالی اما اینکه این حدیث شهرت پیدا کرده راست است شهرت پیدا کرده است.

یکی از حضار: سنن ابی داوود

آیت الله مددی: سنن ابی داوود ایشان از مسند احمد، مسند احمد قبل از ابو داوود است.

یکی از حضار: موطی مالک هم هست.

آیت الله مددی: آن هم تاریخا قبل از، موطی مالک قبل از آن است، یعنی مسند احمد قبل از موطی مالک است، نه بعدش است اشتباه کردم، مسند احمد قبل از سنن ابی داوود است لکن بعد از موطی مالک است ۲۴۱ وفات ایشان است.

علی ای حال ایشان از مسند احمد آورده است لکن حدیث به نظرم سابقه دارد بیش از این مقدار باید سابقه داشته باشد. اگر کتاب

نصب الرأیة

یکی از حضار: استاد در دعائم هم هست، در دعائم هم یک چنین چیزی هست.

آیت الله مددی: دعائم هم احتمالا نسخه ای از همان سنن و قضایای امیرالمؤمنین است که عرض کردم چون این کتاب نزد ایشان بوده است این شاید قدیمی ترین مصدر این باشد به امیرالمؤمنین در قرن اول نسبت داده شده است اگر بخواهیم تاریخ یابی بکنیم این قدیمی ترین نسخه است، یعنی قدیمی ترین نسخه این است، از همه قدیمی تر نسخه ی دعائم الاسلام است. دعائم ۳۶۳ است بین زمان صدوق و کلینی است، اما کتابی که مصدر ایشان بوده عن علی هم نوشته است نیست؟ عن علی علیه السلام.

یکی از حضار: روینا

آیت الله مددی: روینا عن علی

یکی از حضار: عن جعفر بن محمد صلوات الله علیه عن ابیه عن آبائه ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن بیع الغرر

آیت الله مددی: این اگر باشد احتمالا از کتاب چیز، اگر این تعبیر دارد احتمالا از کتاب جعفریات، اشعثیات، اما شاید در اشعثیات فعلا نباشد، این تعبیر که روینا عن جعفر طریق ایشان است هم به کتاب سکونی است هم اشعثیات، احتمال اینکه در کتاب سکونی باشد اگر عن علی نوشته احتمالا همان کتاب علی سلام الله علیه است.

یکی از حضار: دعائم شرایطش چطوری است؟

آیت الله مددی: به چه لحاظ؟

یکی از حضار: به لحاظ اعتبارش.

آیت الله مددی: مرد ملایی است مرد فوق العاده‌ای است نمی شود انکار کرد وثاقتش هم نمی شود بحث وثاقت در مورد آنها معنا ندارد اما روش ایشان قواعد تحدیث را مراعات نمی کند مثلا همین اشعثیات را زمان خود ایشان، مصر هم بوده ایشان، ما الان از مصر دو تا آثار داریم یکی همین دعائم و اینها و کتاب های دیگر ایشان یکی هم اشعثیات از آثار خودمان از مصر این دو تا را داریم و هر دو هم بعدها مشهور شدند اول نبودند.

آن وقت مثلا ایشان صاحب اشعثیات را درک کرده است نمی گوید حدیثی صاحب اشعثیات، ۱۰ سال فاصله اش است با فوت ایشان شاید هم کمتر، یکی ۳۵۲، ۳۵۳ است، یکی هم ۳۶۱-۳۶۳ است دعائم اصلا نمی گوید حدیثی، فی ما رویت و رأیت اینطوری می گوید من کتب الجعفریة از جعفریات تعبیر نمی کند، اشعثیات هم تعبیر نمی کند با اینکه این هم دوره‌ی خودش است هم زمان خودش است در مصر است هر دو هم در دولت اسماعیلی ها هستند ۱۰ سال فاصله ندارند، ۷-۸ سال فاصله دارند خیلی فاصله، می تواند بگوید حدیثی.

دقت بکنید مراعات قواعد تحدیث یک مطلب است، ثقه بودن مطلب دیگری است این مراعات قواعد تحدیث نکته‌ی دیگری است این عده‌ای از قمی های ما مثل مرحوم احمد اشعری و حتی بعدها امثال فرض کنید مثلا مرحوم نجاشی، ابن نوح مثلا اینها در مراعات قواعد تحدیث خوب مراعات می کردند ابن نوح دقیقا قواعد تحدیث را مراعات می کند، مرحوم احمد اشعری فوق العاده است در مراعات قواعد تحدیث و در مقابل در همان زمان در قم داشتیم کسانی که مراعات نمی کردند مثل سهل بن زیاد.

یکی از حضار: ضابط بودن همین است؟

آیت الله مددی: ضابط بودن ضبط بکند اما اینکه درست بله، عرض کردم مثلاً ما الان می‌گوییم مثلاً فی المقام روایات الاول ما فی الکافی دیدم بعضی از اهل سنت نوشتند فرق می‌کنند بگوییم ما فی الکافی یا ما عن الکافی، خوب ما این را مراعات نمی‌کنیم تعارف نداریم که، ما مراعات نمی‌کنیم که بنویسیم ما فی الکافی یا ما عن الکافی می‌گوید اگر سند دارید، اجازه دارید به کافی بنویس ما عن الکافی، اگر اجازه ندارید همین کافی که از بازار خریدید، هر دو از کافی بازاری است دیگر، اگر سند به او دارید بنویسید عن الکافی، اگر سند ندارید بنویسید فی الکافی، یعنی می‌خواهید اشاره بکنید که من از همین نسخه‌ی بازاری نقل کردم سند به ایشان ندارم، خوب این دقت در قواعد تحدیث است دقت کردید چه می‌خواهم بگویم.

این اشکال قمی‌ها در محمد بن سنان که قبول نمی‌کنند خودش هم می‌گوید، می‌گویند در آخر عمر گفت بابا این همه روایت من نقل کردم اینها کتب اشتریتها من السوق، اینها اشکالشان این است که مادام اینها به نحو وجاده اصطلاحاً به آنها می‌گویند وجاده که اضعف طرق تحمل حدیث است وقتی به نحو وجاده باشد باید بگوید ورأیت فی کتاب فلان، نگو عن فلان، این اشکال درست شد؟ جواب آقایان این است که نگفت سمعت فلاناً گفت عن فلان، عن می‌سازد با اینکه در کتابش دیده باشد، عن عنه لازم نیست که حتماً دیده باشمش اگر گفتم سمعته، حدثنی، قرأت کتابه علی، سألت فقال بله اشکال وارد است و این یک مبنای حدیث شناسی است اصلاً خودش قواعد تحدیث است یکی از قواعد تحدیث، خودش این قاعده است یعنی خود این قاعده است که شما عن عنه را کجا به کار ببرید، اصطلاح امروز ما عن عنه مساوق با اتصال است یا عن عنه اعم از اتصال است.

در میان علمای حدیث اهل سنت هم عده‌ای هستند که عن عنه اعم است، عن عنه است دیگر گفته عن فلان نمی‌خواهد از او شنیده باشد اما مشهور بین علمای اهل سنت عرض کردم شاید در حدود ۹۵ درصد ما نداریم این بحث را قدمای ما ندارند، ۹۵ درصد علمای اهل سنت گفتند عن عنه مساوق با اتصال است، یعنی اگر گفت عن فلان حتماً باید از او شنیده باشد یا قرائت برای او کرده یا شنیده یا سماع بوده نمی‌شود عن عنه عین اتصال است.

اما در مقابل عده‌ای از اهل سنت عده‌ای از اهل حدیث گفتند نه ما نگفتیم سمعت، گفتم عن فلان و عن عنه اعم از اتصال است ممکن است اتصال نباشد و عرض کردیم انصافاً در لغت عرب مساوق با اتصال است انصافاً الان ما در لغت فارسی بن عن و من فرقی نداریم، هر دو را از ترجمه می‌کنیم، عن و من را هر دو را از ترجمه می‌کنیم. اما در لغت عربی فرق می‌کند لذا اصطلاحاً حتماً دیدید در کتب عربی در جامع المقدمات هم می‌خواندیم عن للمجاوزه، مجاوزة یعنی در معنای عن این را نگاه کردم یک چیزی را نگاه کردم مقایسه

به یک چیزی این از آورد شده است ببینید ، رمیت السهم عن القوس ، نمی گوید من القوس ، عن القوس ؛ یعنی این تیر از کمان رد شد ، لذا وقتی شما می گوید عن فلان یعنی این کلام از آورد شده است به من رسیده است ، دقت کردید ؟

یکی از حضار : وجاده هم باشد رد شده است دیگر

آیت الله مددی : رد نشده است .

یکی از حضار : نه وجاده هم باشد بالاخره یک جوری رد شده است .

آیت الله مددی : یک جوری بله ،

یکی از حضار : می خواهم بگویم آنها این جوری نگاه می کنند بله .

آیت الله مددی : گفتم من گفتم به من برمی گردانید ، خودم گفتم ، اینها می گویند تصریح بکن وجاده است ، وجدت فی کتابه

یکی از حضار : آن لغتش سازگار است

آیت الله مددی : نه نمی سازد ، اینها اگر آمدند گفتند در کلمه ی عن در لغت عربی غیر از من است ، عن در لغت ، نه این انصافا هم انصافا این دقت ها مؤثر است عرض کردم به شما انصافا و انصاف قصه اهل سنت چون حدیث را مبنا قرار دادند رویش کار کردند ما کمتر کار کردیم چون حدیث ، اصلا مثل سید مرتضی به حدیث نگاه نمی کند ، چرا چون ما مبنا را تلقی اصحاب گرفتیم ، عمده آن گرفتیم .

یکی از حضار : اختلاف فتوا هم به خاطر همین است ، روی را با روی فرق می گذارند ؟

آیت الله مددی : اختلاف سید مرتضی ؟ آن که صدوق ، سید مرتضی روی و روی هر دو را باطل می دانند ، صدوق روی و روی دارند

یکی از حضار : امام دارند دیگر ، مبنای امام این است می گوید اگر بگوییم مثلا روی یعنی ما قبول می کنیم ولی اگر روی بگوید

آیت الله مددی : عده ای دارند چرا ، عده ای دارند که فرق بین روی و روی این را ما چند دفعه بحث کردیم مثل آقای خوئی می گفتند

یکی است ، این من از خود آقای سیستانی خوب چون با ایشان رفیق هم بودیم یاد نمی آید حالا در گعده هایی که نشستیم یا در درس اما در این رساله ی لا ضرر که آقازاده ی ایشان چاپ کردند ایشان نوشته که این تفنن در تعبیر ، تفنن در عبارت دارد حالا نمی دانم برای خود ایشان است برای مقرر است این یک نوع تفنن در عبارت است .

آقای خوئی نکته اش این بود که می گفت آن که می گوید ما کان فی الكتاب عن زرارة اعم است شامل روی عن زرارة هم می شود این عنوان ما کان یعنی شمول عنوان ما اینها را یکی یکی جواب دادیم توضیح دادیم دیگر حالا آن خیلی طولانی است بحثش و توضیح دادیم که اصلا این کسانی که فرق گذاشتند از کجا این فرق آمد اصلا و توضیح دادیم ریشه های فرق را بیان کردیم که الان اگر بخواهیم وارد بشویم دیگر کلا از بحث امروز خارج می شویم .

یکی از حضار: تلقی حدیث تلقی جم الجم است یا واحد واحد .

آیت الله مددی: ببینید فرهنگ حدیثی در جامعه جا افتاده، این حدیث انصافا در دنیای فقه جا افتاده است اما این آقا مثلا فرض کنید مثلا با صحیفة الرضا آمده من باب مثال می گویم اما خود صدوق قبلا در فقیه نیاورده است، اینها یکی از علائم ضعف این می دانند چون صحیفة الرضا، عیون اخبار الرضا کتاب مصنف است اما فقیه کتاب فتوایی ایشان است، به منزله ی اصل است .

یعنی می گویند مثلا اگر در کافی باشد یا در فقیه باشد یعنی قبول شده اما در عیون اخبار الرضا باشد نه، لکن عرض کردیم انصافا اجمالا کاری که صدوق انجام داده در فضای حدیثی شیعه خیلی موثر است چرا چون فضای حدیثی شیعه که واقعا فضا فضای شیعی باشد و حدیثی باشد قم است در قرن دوم و سوم، سوم و چهارم و اضافی بر او در اوائل قرن چهارم مرد بسیار بزرگواری مثل ابن ولید اینها را تنقیح کرده است که صدوق هم ظاهرا، یعنی عبارات صدوق این است که هر چه ایشان گفت صحیح است من می گویم صحیح، هر چه گفت نه. البته در یک جایی این دو تا را نیاورده است مجموعا، اصلا کاملا مطیع استادش است و واقعا هم مرحوم ابن الولید هم شایسته است یعنی انصافا شایسته است که مثل صدوق این مطلب را ایشان داشته باشد که از ایشان پیروی کند. چون قم همه هم شیعه بودند هم وجود اشاعره که

اولا اشاعره شهر قم را قم کردند قم نبود کومه بود به صورت خیمه خیمه بود و اشاعره که اینجا را به اصطلاح شهر کردند حکومت اینجا را هم از ری که دست آل بویه بود و مخصوصا زمان صدوق که رکن الدولة بود اینها داشتند و انصافا محیط قم یک محیط علمی حدیثی شیعه است یعنی این فرهنگ اینطور در قم، لکن ما الان بیشتر تاثرمان به مرحوم شیخ طوسی است، شیخ طوسی در بغداد است بغداد یک محیط علمی، حدیثی، رجالی، فقهی، اصولی سنی است، دقت کردید چه می خواهم بگویم؟ اگر شیعه بوده شیعه یک قسمتی بودند تلقیات شیعه بیشتر تلقی در فتواست نه در حدیث و لذا مرحوم سید مرتضی روی حدیث کار نمی کند روی فتوا کار می کند، این تلقی به قبول شده است .

و لذا عرض کردیم تلقی حدیثی شیعه در قم است تلقی فقهی شیعه در بغداد است و بعد از زمان شیخ طوسی ، این دو تا را با هم اما اصحاب ما الان خلط کردند یعنی اصحاب ما این دو تا را با هم دیگر خلط کردند ، اینکه مرحوم صدوق نقل می کند اما این نه به این معنا که هر کسی مثلاً مرحوم کلینی از صحیفه الرضا چیزی نقل نمی کند صدوق چندین نسخه ی صحیفه الرضا را با انتخاب آورده است همه را کاملاً نقل می کند .

یکی از حضار: این دعائم الاسلام را فرمودید از کتاب قضایاست یا از

آیت الله مددی: از اینکه می گوید جعفر بن محمد یا اشعثیات است یا سکونی ، اشعثیات و سکونی هم یکی است .

یکی از حضار: پس باز هم می شود مصدر اول ما ، مصدر اول می شود نسبت به چیز

آیت الله مددی: بله اشعثیات مصدر اول

این کتاب اشعثیات عرض کردم از کتب مصری ماست جا نیافتاده بود عرض کردم خیلی هم زود به بغداد آمد تاریخش را مفصل عرض کردم چطور این کتاب اشعثیات ، این از زمان حاجی نوری در مستدرک آورد بعد هم آقای بروجردی چاپ کردند با چاپ آقای بروجردی الان دیگر در حوزه های ما خوانده می شود و الا اشعثیات اصلاً نامش در کتب اصحاب ما نیست .

علی ای حال اگر آمده باشد در عبارت دعائم الاسلام ، دعائم الاسلام عادتاً این جوری است من عادت دعائم الاسلام را عرض می کنم نه اینکه دائماً ، اینکه می گویند عن جعفر عن ابیه عن آبائه عن رسول الله این می خورد یا به اشعثیات یا به سکونی . اگر از روایات ما باشد مثلاً روایت زراره باشد عن جعفر بن محمد قال اینکه سند می آورد عن ابیه عن آبائه عن رسول الله این به سبک سکونی می خورد و سبک اشعثیات ، سبکش ، دقت کردید ؟

اگر مثلاً روایتی باشد که صاحب دعائم از زراره نقل کرد از امام صادق می گوید وروینا عن جعفر بن محمد انه قال اینطوری می گوید دقت کردید ، نمی گوید عن جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه این تعابیر را که عرض کردم برای اینکه آشنا بشوید با کتاب شناسی ، چون دعائم در دنیای شیعه ذکر نشده است ، ظاهراً اولین بار مجلسی این را آورده است و مرحوم بحار هم ، صاحب وسائل هم قبول نکرده است دعائم را زیر بار دعائم نرفته است .

خوب اینکه دعائم انصافا عرض کردم یک کتاب فقهی حدیثی بسیار ممتاز است بسیار بسیار ممتاز است و نویسنده‌ی کتاب مرد واقعا ملایی است انصافا مرد فوق العاده ملایی است و اسماعیلی‌ها تا این لحظه‌ای که من خدمت شما هستم از زمانی که ایشان نوشته تا این لحظه تنها مصدرشان همین دعائم است یک چند تا کتاب اخیرا دارند از صاحب دعائم چاپ می‌کنند اما اینها مصدر حدیثی و فقهی‌شان همین دعائم است اصلا کلا تلقی به قبول شده است ، تعلیقه هم ندارد یعنی رد بکنند علمای اسماعیلی در طول تاریخ بالا و پایین بکنند نه .

و عرض کردیم شبیه دعائم در کتاب‌های ما مثل مقنعه‌ی صدوق است که یک دوره فقه است متن روایات است ، دعائم هم تقریبا متن ، یکی دوسه تا یا چند تا تعلیق دارد متن روایات است و یک دوره فقه است لکن فقهی که به درد حکومت فاطمی‌ها در مصر می‌خورد ما این جور نداریم ، باید امتیازات هر طایفه را بگوییم انصافا ما چنین کتابی که متون احادیث باشد و به درد اجراء و سیاست بخورد نداریم ، چون موضوعش را نداشتیم . این کتاب ایشان امتیازش این است .

یکی از حضار : ادامه‌ی همین مطلب وقتی که می‌گوید و هو بیع یعقد علی شیء ... عند المتابعین

آیت الله مددی : این کلام صاحب دعائم است ، عرض کردم اگر خوب گوش بکنید عرض کردم یک جاهایی دارد ، تعلیقات دارد ، یک تعلیقات موجزی دارد اما به طور کلی متون روایات است ، متون روایات ، خیلی این مهم است نمی‌دانم دقت می‌کنید ؟
مثلا الان در عهد جمهوری اسلامی هم چنین چیزی نوشته نشده است ، ما یک فقهی بنویسیم که متون روایات باشد و در عین حال به درد اجراء و سیاست بخورد .

یکی از حضار : فرقی با مجله چیست ؟

آیت الله مددی : مجله ماده‌ی قانونی است اصلا متون فقهی نیست ، تالیف قانون مدنی ترکیه است که به حساب در ، بله ماده‌ی یک ، ماده‌ی دو ، ماده‌ی سه .

یکی از حضار : نه این دعائم

آیت الله مددی : دعائم بله یعنی اجرا می‌شده هنوز یعنی یک جوری آورده روایات را که قابلیت اجراء و سیاست دارد یعنی سیاست

مصر را

یکی از حضار: مجله یعنی روایت نیاورده است؟

آیت الله مددی: نه، روایت متون هم، از روایات استخراج کرده است.

یکی از حضار: مثل قانون مدنی ماست.

آیت الله مددی: مثل قانون مدنی ماست از روایات و فتاوی استخراج کرده است.

یک مقدار از بحث خارج شدیم لکن خوب چاره‌ای نبود دیگر حالا آشنایی با این مصادر خیلی ضروری است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین